

مطالعه تغییرات هورمونی در بیماران مبتلا به لوسمی لنفاوی مزمن (CLL)

دکتر محمد وجگانی * دکتر منوچهر نخجوانی ***

دکتر احمد مسعود ** دکتر محمد زمانیان پور ****

The Study of Endocrine Hormone Changes in Patients with CLL

Abstract

Results of some cancer researches show that a number of hormones in certain tumors are growing up (7). Often, the majority of these hormones are produced by tumor cells or by an unknown origin in the neoplastic area (4, 5). Also, it is clear that some of these ectopic hormones are produced only by specific tumors (7). In addition, different effects of these abnormally produced hormones on the immune system are shown in recent years. Thus, we decided to study the hormonal status of patients with chronic lymphocytic leukemia (CLL) patients. The results of this study showed that the LH and FSH levels in the majority of patients are rising above normal while testosterone level in many of them is decreased. In the next step, we are going to study the immunological effects of LH, FSH, and testosterone on the lymphocyte function in vitro.

نژاد، انواع لوسمی بیشتر در مرد ها اتفاق می افتد تا خانم ها، نسبت ابتلاء مردان به زنان بخصوص در CLL بالا می باشد. اگر چه فاکتورهای مختلفی (اشتعه رادیواکتیو، مواد شیمیائی، فاکتورهای ژنتیکی، ویروسها و غیره) یعنوان عامل مستعد کننده پیشرفت بیماری مطرح گردیده، لیکن اینمولوژی اغلب لوسمی ها ناشناخته باقی مانده است. بر طبق گزارشات موجود، محققین تو انتشار افزایش مقدار بیخی از هورمونهای اندوکرین را در بعضی سرطانها نشان دهند (7). همچنین مشاهده شده که این هورمونها در اغلب موارد توسط سلولهای سرطانی با سلولهای ناشناخته ای در مناطق سرطانی بصورت اکتوپیک ساخته و

مقدمه

تکثیر شوپلاستیک یک یا چند سلول خونی را لوسمی گویند. این بیماری را بسته به ابتلاء تیره لغوئید یا میلوئید به لوسمی لنفاوی و لوسمی غیر لنفاوی (میلوئید) و پرمیتای دوره و شدت بیماری، هر یک را به حاد و مزمن طبقه بندی می کنند. لوسمی لنفاوی مزمن (CLL) با افزایش لنفو سیتیهای کوچک بالغ در جریان خون و طول عمر زیاد بیماران مشخص می شود. تاکنون به دلایل مختلف امکان تعیین میزان و قوع انواع مختلف لوسمی میسر نگشته است. بدین خاطر، روشن نیست که کدامیک از انواع لوسمی شایعتر از بقیه است، صرف نظر از سن و

1. chronic lymphocytic leukemia

* استاد بارگروه ایمونولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه علم پزشکی تهران

** استاد بارگروه ایمونولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه علم پزشکی تهران

*** استاد بار بخش غدد بیمارستان ولی عصر (ع) مجتمع بیمارستان امام حسین

**** دانشیار بخش خون بیمارستان امام حسین

هورمونهای مورد مطالعه را در سه گروه بشرح زیر می‌توان تقسیم بندی نمود.

۱- گروه اول: هورمونهایی که مقدارشان در بیماران طبیعی بوده و یا دچار تغییرات جزئی شده‌اند که عبارتند از: کورتیزول، ACTH، GH و TSH

۲- گروه دوم: هورمونهایی که مقدارشان در تعداد کم تا قابل ملاحظه‌ای از بیماران تغییر یافته ولی این تغییر فاقد ارزش آماری است.

این گروه شامل: استرادبول، BHCG، پرولاکتین و پروژسترون می‌باشدند.

۳- گروه سوم: هورمونهایی که دچار تغییرات وسیع و معنی‌داری شده‌اند و عبارتند از:

LH، FSH و تستوسترون ($P < 0.05$)

نکته قابل ذکر آنکه این تغییرات تنها در بیماران مرد بچشم می‌خورد و گروه بیماران زن اختلالات فوق را نشان نمی‌دهند. به حال تغییرات مشاهده شده در این مطالعه بقرار زیر است.

- هورمون LH:

LH تنها هورمونی است که در این بررسی بالاترین اختلال را نشان می‌دهد. بطوریکه مقدار آن در ۱۵ نفر از بیماران مرد (۶۵٪) افزایش نشان می‌دهد (جدول ۲).

- FSH: مقدار این هورمون در ۱۱ نفر از ۲۳ بیمار مرد (۴۷٪) افزایش نشان می‌دهد (جدول ۳).

- تستوسترون:

مقدار تستوسترون در ۹ نفر از بیماران کمتر از حد نرمال و در بقیه نیز در حد پائین نرمال قرار دارد، یعنی یک کاهش نسبی تستوسترون در اکثر بیماران بچشم می‌خورد. (جدول ۴).

بحث

مطالعات متعددی که در زمینه بررسی اختلالات اندوکرین در جریان برخی سرطانها صورت گرفته، نشان می‌دهند که بعضی از هورمونها اختصاصاً توسط برخی از انواع تومورها ترشح می‌شوند و تومورهای دیگر قادر به ساختن آنها نیستند(۷). از سوی دیگر مطالعات و بررسی‌های انجام شده توسط تعداد دیگری از محققین روشنگر اثرات برخی هورمونهای اندوکرین بر روی سیستم ایمنی است (۳ و ۶ و ۸) که از آنجلمه میتوان به تاثیر گلوکورتیکوئیدها در تنظیم سیستم ایمنی (۸ و ۱۲) اثر آنتاگونیستی MSH با -IL، تاثیر

ترشح می‌شوند (۴ و ۵). در همین رابطه مشاهده شده که به دلایل ناشناخته بعضی از هورمونها اختصاصاً نوسط برخی از انواع تومورها ترشح می‌شوند و تومورهای دیگر قادر به ساخت آنها نیستند. (۷). از سوی دیگر سایر بررسیها نشان دهنده تأثیر برخی از هورمونها بر روی سیستم ایمنی است (۲ و ۳ و ۶ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳)، لذا به دلیل کشف ارتباط برخی از سرطانها و اختلالات هورمونی و تأثیر هورمونها بر روی سیستم ایمنی بر آن شدید تا به مطالعه تغییرات هورمونی در ۳۴ بیمار مبتلا به CLL پردازیم که مژروح این بررسی در زیر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

مواد و روش کار

۱- بیماران: در این بررسی، ۳۴ بیمار مبتلا به CLL مورد مطالعه قرار گرفتند. این گروه در طول ۴ ماه به درمانگاه خون بیمارستان امام خمینی مراجعه نمودند که نفر از این تعداد مرد و ۱۱ نفر زن بودند. از یازده نفر زن بیمار، ۱۰ نفر در دوره پانسکی بسر می‌برده و در نفر آخر نیز که نزدیک سن پانسکی بود (۴۴ سال) سپکل ماهانه مختل شده بود. لازم به ذکر است که ساعت خون‌گیری از بیماران بین ۹ تا ۱۰/۳۰ دقیقه صبح بوده است.

۲- با استفاده از تکنیک رادیوایمونوآسی (RIA) مقدار بازده هورمون زیر در سرم بیماران اندازه‌گیری شد:

الف- FSH, LH, ACTH, TSH, GH (از هیپوفیز)

ب- کورتیزول (از غده فوق کلیه)

ج- تستوسترون، استروژن و پروژسترون (از گنادها و کورتکس ادرنال)

د- B HCG (از جنث)

نتایج با توجه به پائین بودن شیوع این نوع سرطان خون با اخذ نمونه خون از ۳۴ بیمار (از ۶ بیمار دو مرتبه خون‌گیری شد که نتایج هر دو بار تقریباً در اکثر موارد مشابه بود) سعی شد نمونه‌گیری، حداقل ۱۰٪ مبتلایان در سطح کشور را پوشش دهد. پس از کسب نتایج، آنالیز و بررسی آن با کمک و راهنمایی استادی محترم گروه آمار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران صورت پذیرفت و در این رابطه محاسبه میانگین حد بالا و حد پائین هورمونها ملاک بررسی قرار گرفت. با توجه به طولانی بودن دوره نمونه‌گیری و محدودیت از نظر کیت‌های آزمایشگاهی، مقادیر هورمونهای بیماران با مقادیر این هورمونها در افراد سالم هم سن و هم جنس و با استفاده از استانداردهای ارائه شده مخصوص هر کیت آزمایشگاهی صورت پذیرفت.

(جدول ۱).

لذا بنتظر می‌رسد که با توجه به نوع اختلال آندوگرین مشاهده شده در این بیماران، یعنی افزایش LH و FSH در تعداد زیادی از بیماران و کاهش چشمگیر تستوسترون در اغلب آنها، محور هیپوفیزی گنادی در این بیماران دچار اختلال شده است و احتمال می‌رود که بیماران مزبور مبتلا به هیپوگنادیم باشند. این نکته خود یک یافته مهم این مطالعه است که در جای خود قابل طرح و بررسی است ولی نکته مهمتر در اینجا این است که افزایش LH و کاهش تستوسترون احتمالاً از عوامل مهم بروز اختلال در سیستم ایمنی این افراد می‌باشدند. از طرفی با توجه به نقش احتمالی هورمونهای هیپوفیزی (خاصه گنادوتروپینها) در تکامل لنفوسیتها (۱ و ۱۴) اختلال مشاهده شده میتواند توجیه کننده توقف سیر تکاملی لنفوسیتهاي بیماران و عدم توانایی آنها در تبدیل به پلاسمای سل و بروز نقص در ایمنی هومورال (اختصاصی و غیراختصاصی) آنها باشد که این موضوع در حال حاضر توسط اینجانب مورد بررسی است و نتایج آن در مقالات بعدی ارائه خواهد شد. بعلاوه امروزه تاثیر هورمون LH بر روی فعالیت سلوهای NK محرز گردیده است (۹) و نشان داده شده که هورمون LH باعث مهار و سرکوب فعالیت این سلوهای می‌گردد. از آنجاییکه این سلوهای (NK) مهمترین عوامل موثر در نابودی و از بین بردن سلوهای سلطانی هستند (عبارتی مهمترین رک در فعالیت مراقبتی سیستم ایمنی می‌باشد) مهار و سرکوب فعالیت این سلوهای می‌تواند علت بروز نوبلازیهای مختلف از جمله CLL باشد ولی در مورد اینکه واقعاً در این بیماران چنین مکانیزمی دست اندر کار بوده و LH بعنوان عامل اتبولوزیک یا کوفاکتور در بروز آن موثر است یا خیر، چیزی نمی‌دانیم و اظهار نظر در این مورد مستلزم مطالعات پیشتری در این زمینه است. همچنین با توجه به تاثیر هورمونهای جنسی بر روی سیستم لنفاوی، تغییر مقدار تستوسترون نیز می‌تواند از عوامل موثر در توقف سیر تکاملی لنفوسیتها محسوب شود. بالاخره از تغییرات BHCG و پرولاکتین (که افزایش مقدار آنها در سلطانهای مختلف نشان داده شده و تاثیر این دو هورمون بر روی لنفوسیتها نیز محرز گردیده است) نمی‌توان غافل شد. لذا بنظر می‌رسد که افزایش چهار هورمون هیپوفیزی FSH، LH، BHCG و پرولاکتین این بیماران (خواه اولیه باشد یا ثانویه) از اهمیت بیشتری برخوردار باشد که مطالعه تاثیر مستقیم این افزایش بر روی لنفوسیتهاي بیماران مبتلا به CLL از موضوعات مورد مطالعه در تحقیقات آینده است.

اندورفین بر فعالیت سیستوتوكسیپیتی سلوهای NK (۶)، اثر مهاری BHCG بر روی لنفوسیتها (۷)، تاثیر مهاری ACTH بر تولید IL-۱ (۶) و تاثیر مهاری LH بر روی فعالیت سلوهای NK (۹) اشاره نمود.

لذا براساس نتایج موجود، ارتباط تاثیر اختلالات آندوگرین در تضعیف سیستم ایمنی و بروز سلطانها یک نکته قابل توجه و حائز اهمیت است. در بررسی های انجام شده بر روی نتایج حاصل از مطالعه اختلالات آندوگرین در بیماران مبتلا به CLL نیز آشنگی سیستم آندوگرین بوضوح و به شکل معنی داری (آماری) بچشم می خورد که تشریع یافته های مزبور دیدگاههای جالبی را پیش روی محققین می گشاید.

در این بررسی از بین ۲۳ بیمار مرد، ۱۵ نفر (۶۵٪) مبتلا به افزایش مقدار LH میباشند. مقایسه سایر اختلالات هورمونی در این تعداد (افرادی که از LH بالا برخوردارند) نشان می دهد که:

۱ - از ۱۵ نفر بیماری که مقدار LH در آنها افزایش یافته ۱۱ نفر (۷۳٪) مبتلا به افزایش FSH نیز هستند و از آنجاییکه این ۱۱ نفر تنها افراد مبتلا به افزایش FSH می باشند پس ۷٪۱۰۰ افرادی که FSH در آنها افزایش یافته، دچار افزایش LH نیز می باشند (جدول ۱).

۲ - در ۷ نفر از ۱۵ بیمار مبتلا به افزایش LH، مقدار تستوسترون کمتر از حد طبیعی است و در ۸ نفر باقی مانده نیز مقدار این هورمون در حد پائین نرمال قرار دارد. پس می توان احتمال داد که افزایش LH متعاقب کاهش تستوسترون و برای جبران صورت می گیرد (جدول ۱).

۳ - ۷ نفر از افرادی که دچار افزایش LH هستند (۶٪۴۶) هم زمان مبتلا به افزایش BHCG نیز می باشند. این تعداد برابر کل افراد مبتلا به افزایش BHCG می باشد، یعنی ۱۰۰٪ افرادیکه دارای مقدار بیش از حد طبیعی BHCG هستند مقدار LH سرمشان نیز افزایش نشان می دهد (جدول ۱).

۴ - همچنین از این ۱۵ بیماری که LH در آنها افزایش یافته، ۴ نفر (۲۷٪) مبتلا به افزایش پرولاکتین می باشند و اینها تنها افرادی هستند که پرولاکتین سرمشان افزایش یافته است (جدول ۱).

۵ - بدین ترتیب مشاهده می شود که از مجموع ۲۳ بیمار ۷ نفر بطور هم زمان مبتلا به افزایش LH، FSH و BHCG و ۴ نفر مبتلا به افزایش توام LH، FSH و پرولاکتین می باشند، یعنی در بیان این از بیماران افزایش گنادوتروپینها (FSH، LH) با افزایش یکی از دو هورمون BHCG یا پرولاکتین همراه است

جدول شماره پنجم قسمت اول: مقادیر ۱۱ هورمون اندازه‌گیری شده در مجموع بیماران مرد تحت بررسی

| شماره بیمار | LH | FSH | TSH | استروadiبول | کورتیزول | پروژسترون | پروولاکتین | TSH | ACTH | GH |
|-------------|-----------------|-----------------|-------------------|------------------|------------------|-------------------|-----------------|------|------|------|
| ۲۰ | ۱۶ ⁺ | ۲/۵ | ۳/۵ | ۷/۵ [†] | ۳۱۴ [†] | ۰/۴۸ [†] | ۱۷ | ۱/۶ | - | ۴/۰ |
| ۲۱ | ۶ | ۲/۶ | ۳/۶ | ۴۳ | ۱/۶ | ۰/۵۸ [†] | ۱۹ | ۰/۱ | - | ۰/۳ |
| ۲۲ | ۴/۳ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۴۱ | ۰/۱۴ | ۲۵۰ | ۱۶ | ۰/۲ | - | ۰/۱ |
| ۲۳ | ۲۰ ⁺ | ۱۱ ⁺ | ۱۱ ⁺ | ۴۰ | ۲/۲ [†] | ۰/۱۷ | ۲۳ | ۱/۴ | - | ۰ |
| ۲۴ | ۲۷ | ۷ | ۱۶/۷ [†] | ۲/۷ [†] | ۰/۱۱ | ۱۷۰ | ۱۸ | ۱/۶ | - | ۰/۱ |
| ۲۵ | ۷/۴ | ۲/۲ | ۷/۴ | ۴۹ | ۰/۰۲ | ۱۷۶ | ۱۱ | ۰/۳ | - | ۰/۲ |
| ۲۶ | ۳۶ ⁺ | ۱۵ ⁺ | ۱۵ ⁺ | ۲/۸ [†] | ۰/۰۶ | ۲۴۱ | ۵ | ۱ | - | ۰/۲ |
| ۲۷ | ۱۵ ⁺ | ۵ | ۱۴ ⁺ | ۰/۷ | ۱۷۰ | ۰/۱۱ | ۱۸ | ۱/۱ | - | ۰/۱ |
| ۲۸ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ | ۱۰ | ۱/۲ [†] | ۰/۲۵ | ۲۴۵ | ۲۹ [†] | ۱/۱ | - | ۰/۰ |
| ۲۹ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ | ۱۰ | ۰/۷ | ۰/۲۳ | ۱۳۰ | ۱۸ | ۱/۰ | ۲۴ | ۲/۰ |
| ۳۰ | ۶ | ۷/۴ | ۷/۴ | ۴۳ | ۰/۲۱ | ۲۴۷ | ۱۱ | ۱/۷ | ۰/۳ | ۰/۱ |
| ۳۱ | ۳ | ۳ | ۳ | ۰/۱ | ۰/۰۸ | ۲۰۸ | ۰/۰۸ | ۰/۰۷ | ۰/۰۵ | ۰/۷ |
| ۳۲ | ۱۹ ⁺ | ۱۵ ⁺ | ۱۵ ⁺ | ۰/۰۵ | ۰/۰۳ | ۲۰۵ | ۱۸ [†] | ۰/۰۲ | ۰/۰۱ | ۰/۱۶ |
| ۳۳ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۳۴ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۳۵ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۳۶ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۳۷ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۳۸ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۳۹ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۴۰ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۴۱ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۴۲ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۴۳ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۴۴ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۴۵ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۴۶ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۴۷ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۴۸ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۴۹ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۵۰ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۵۱ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۵۲ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۵۳ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۵۴ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۵۵ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۵۶ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۵۷ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۵۸ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۵۹ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |
| ۶۰ | ۱۵ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ |

توضیح: چون در اندازه‌گیری هورمونها از کیت‌های هورمونی مختلف با دامنه طبیعی متفاوت (جدول ۵) استفاده شده است، لذا کلیه مواردی که بیشتر یا کمتر از حد طبیعی در جداول فرقی آورده شده با دامنه طبیعی کیت مخصوص بخود مقابله گردیده‌اند (۱۴).

همچنین لازم به ذکر است که در این جدول و جداول بعدی مقادیر افزایش یافته هورمونها با علامت (+) و مقادیر کاهش یافته با علامت (-) نشان داده شده‌اند.

مورد مطالعه در تحقیقات آینده است.

جدول شماره یک قسمت دوم؛ مقادیر ۱۱ هورمون مختلف اندازه‌گیری شده در خانمهای بیمار

| GH | ACTH | TSH | پرولاکتین | بروژسترون | کورتیزول | BHCG | استروئیدول | تستوسترون | FSH | LH | شماره بیمار |
|-----|------|-----|-----------------|-------------------|----------|------|------------|-------------------|-----------------|-----------------|-------------|
| ۲ | - | ۱/۲ | ۱۵۳ | +/۰۲ | ۱۸۵ | ۲/۱ | ۲ | -/۲۲ | ۴۰/۰ | ۴۱/۵ | ۲۲ |
| ۲۳* | - | ۰/۲ | ۲۷ ⁺ | +/۰۳ | ۱۶۰ | ۲/۲ | ۲۲ | <۰/۲ | ۱۴ | ۲۱ | ۲۵ |
| ۰/۵ | - | ۰/۲ | ۲۲ | +/۴۸ ⁺ | ۲۲۱ | ۶/۸ | ۵ | +/۲ | ۲۷/۹ | ۶۴/۹ | ۲۶ |
| ۰/۳ | ۱۸ | ۱/۱ | ۷ | | ۲۲۸ | ۶ | ۵ | +/۲۵ | ۲۹ | ۵۵ | ۳۸ |
| ۰/۳ | ۴۲ | ۱/۹ | ۲۰ | +/۰۵ | ۲۲۷ | ۶ | ۶ | +/۶ | ۵۲ | ۷۵ | ۳۹ |
| ۰/۷ | ۳۳ | ۳/۲ | ۸/۰ | +/۰۵ | ۱۲۴ | ۴/۷ | ۶ | +/۱۷ | ۸۰ | ۵۸- | ۴۳ |
| ۰/۳ | ۲۰ | ۱/۹ | ۶/۲ | | ۲۰۶ | ۲/۶ | ۵ | +/۰۷ | ۶۲ | ۶۲ | ۴۵ |
| ۰/۳ | ۲۸ | +/۷ | ۱۱/۴ | +/۰۵ | ۸۵ | ۰ | ۶ | ۳۳ | ۴۱ | ۴۶ | ۴۶ |
| ۰/۵ | ۲۸ | ۲/۱ | ۲۸ ⁺ | +/۶۶ | ۲۲۶ | ۰ | ۱۲ | +/۲۲ | ۱۸ ⁻ | ۱۰ ⁻ | ۴۷ |
| ۰/۵ | ۳۳ | ۱/۹ | ۲۱ ⁻ | | ۲۶۰ | ۲/۴ | ۱ | +/۰۱ ⁻ | ۵۱ | ۶۸ | ۴۸ |
| ۰/۳ | ۴۹ | +/۲ | ۱۶/۷ | +/۲۶ | ۸۰ | ۳ | ۱ | +/۲ | ۵۰ | ۳۲ | ۵۵ |

جدول شماره ۲: مقدار LH در بیماران مرد

| | | | | | | | | | | | |
|-----------------|----|-----------------|-----------------|-----------------|-----------------|-------------------|-----------------|-----------------|-----------------|-----------------|--------------|
| ۲۲ | ۳۳ | ۲۲ | ۳۱ | ۳۰ | ۲۹ | ۲۷ | ۲۴ | ۲۲ | ۲۱ | ۲۰ | شماره بیمار |
| ۲ | ۶ | ۱۵ ⁺ | ۱۵ ⁺ | ۲۶ ⁺ | ۷/۴ | ۱۶/۷ ⁺ | ۲۰ ⁺ | ۴/۳ | ۶ | ۱۶ ⁺ | مقدار هورمون |
| ۳۸ | ۵۷ | ۵۴ | ۵۳ | ۵۱ | ۴۲ | ۴۱ | ۴۰ | ۳۷ | ۳۶ | ۳۵ | شماره بیمار |
| ۱۸ ⁺ | ۱۲ | ۲۹ ⁺ | ۲۵ ⁺ | ۶ | ۶۱ ⁺ | ۳۸ ⁺ | ۴۲ ⁺ | ۲۲ ⁺ | ۱۰ ⁺ | ۱۹ ⁺ | مقدار هورمون |

جدول شماره ۳: مقدار FSH در بیماران مرد

| | | | | | | | | | | | |
|----|-----------------|-----|-----------------|-----------------|-----|-----------------|-----------------|-----------------|-----------------|-----------------|-------------|
| ۲۲ | ۳۳ | ۲۲ | ۳۱ | ۳۰ | ۲۹ | ۲۷ | ۲۴ | ۲۲ | ۲۱ | ۲۰ | شماره بیمار |
| ۵ | ۴ | ۱۰ | ۵ | ۱۰ ⁺ | ۲/۲ | ۷ | ۱۱ ⁺ | ۴/۱ | ۳/۶ | ۲/۵ | مقدار |
| ۶* | ۵۸ | ۵۷ | ۵۴ | ۵۳ | ۵۱ | ۴۲ | ۴۱ | ۴۰ | ۳۷ | ۳۶ | شماره بیمار |
| ۱* | ۲۲ ⁺ | ۶/۷ | ۵۵ ⁺ | ۲۲ ⁺ | ۵/۹ | ۵۶ ⁺ | ۲۲ ⁺ | ۱۸ ⁺ | ۲۲ ⁺ | ۱۸ ⁺ | مقدار |

جدول شماره ۴؛ مقدار تستوسترون در بیماران مرد

| شماره بیمار | مقدار هورمون | شماره بیمار | مقدار هورمون |
|-------------|------------------|-------------|------------------|
| ۲۰ | ۳/۵ | ۳۶ | ۳/۵ |
| ۲۱ | ۱/۷ ⁻ | ۳۷ | ۳/۶ |
| ۲۲ | ۳/۴ | ۴۰ | ۲/۹ ⁻ |
| ۲۴ | ۴/۴ | ۴۱ | ۲ ⁻ |
| ۲۷ | ۴/۷ | ۴۲ | ۲/۸ ⁻ |
| ۲۹ | ۴/۹۷ | ۵۱ | ۴/۹ |
| ۳۰ | ۲/۸ | ۵۳ | ۲/۸ ⁻ |
| ۳۱ | ۵/۸ | ۵۴ | ۱/۴ ⁻ |
| ۳۲ | ۴/۸ | ۵۷ | ۲/۷ ⁻ |
| ۳۳ | ۶/۵ | ۵۸ | ۳/۴ |
| ۳۴ | ۶/۳ | ۶۰ | ۲/۱ ⁻ |
| ۳۵ | | | ۰/۸ ⁻ |

جدول شماره ۵؛ میانگین مقدار هورمونهای مختلف در افراد سالم

| شماره | هرورمون | آفایان | خانمهای | واحد |
|--------|-------------------------|------------|-------------|--------|
| ۱ | پروژسترون | ۰ - ۰/۴ | ۰ - ۰/۲ | Ng/ml |
| ۲ | BHCG | ۰ - ۳ | ۰ - ۱۰ | MIU/ml |
| ۳ | استراديول | ۶ - ۴۴ | ۰ - ۱۴ | Pg/ml |
| ۴ | GH | ۰ - ۷ | ۰ - ۷ | Ng/ml |
| ۵ | ACTH | < ۲۰ - ۹۰ | < ۲۰ - ۹۰ | Pg/ml |
| ۶ | TSH | ۰ - ۴ | ۰ - ۴ | NIU/ml |
| ۷ | کورتیزول | ۰ - ۲۵ | ۰ - ۲۵ | Ng/dl |
| ۸-الف | پرولاکتین (۲۰ - ۴۴) | ۲۵ - ۲۳۰ | ۰ - ۱۰ | NIU/ml |
| ۸-ب | (۴۴ - ۶۰) | ۲ - ۱۷۸ | ۰ - ۱۷۸ | NIU/ml |
| ۹-الف | تستوسترون (۲۰ - ۴۰) | ۳ - ۱۴ | ۰/۲ - ۰/۹ | Ng/ml |
| ۹-ب | (۴۱ - ۴۴) ^{**} | ۳/۶ - ۹/۹ | ۰/۱۵ - ۱/۱ | Ng/ml |
| ۹-ج | (۴۵ - ۶۰) ^{**} | ۲/۷ - ۱۰/۷ | ۰/۰۶ - ۰/۸۶ | Ng/ml |
| ۱۰-الف | (۲۰ - ۴۰) FSH | ۴ - ۱۰ | > ۲۵ | MIU/ml |
| ۱۰-ب | (۴۱ - ۴۹) ^{**} | ۰ - ۲۰ | > ۴۰ | MIU/ml |
| ۱۰-ج | (۵۰ - ۶۰) ^{**} | ۰ - ۱۰ | > ۲۰ | MIU/ml |
| ۱۱-الف | (۲۰ - ۴۰) LH | ۴ - ۱۲ | > ۲۰ | MIU/ml |
| ۱۱-ب | (۴۱ - ۴۹) LH | ۰ - ۲۵ | > ۲۱ | MIU/ml |
| ۱۱-ج | (۵۰ - ۶۰) LH | ۰ - ۱۰ | ۲۵ - ۸۵ | MIU/ml |

References

- 1) Alex C. SONNENWIRTH, PHD : Gradwhol's clinical laboratory methods and diagnosis Eight edition. Volume. 1 : 69 - 98.
- 2) B.M.R.N.J Woloski : Corticotropin - Releasing factor activity of monokines. science. Vol : 230 , NO. 29; 1035 - 1036, November 1985.
- 3) Eugenew. Adecock III and etal : Human chorionic gonadotropin its possible Role in maternal lymphocyte suppression : 845, Aug 31 . 1973
- 4) Hugosteiner and etal : Ectopic GH production and osteoarthropathy in carcinoma of the bronchus. lancet ; 783, April. 13. 1968.
- 5) Jagmohank kalora and etal : osteogenic sarcoma producing human chorionic Ganadotropin. Cancer. 53 : 2125 - 2128 , 1984.
- 6) Joseph G, cannon and etal : a MSH inhibits immunostimulatory and inflammatory actions of interleukine. I the journal of immunology Vol. 137, No. ; 2232 - 2236 , oct 1 , 1986.
- 7) Judit HL., vaitukaitis MD : peptid hormones as tumor markers. cancer 37 : 567 - 572, 1976.
- 8) M Michle Hoganadstefan. Vogel : inhibition of macrophage tumoricidal activity glucocorticoides. the journal of immunology vol. 140 : 513 - 519 , No, 2 journey 15, 1988.
- 9) Robina M. Ghannimi z, deschaux P.A : interaction between luteotropic hormones and thymosin on natural killercell activity in balb mice. immonology, 65 : 125 - 128, 1988.
- 10) Belluardo N and etal : Hypothalamic control of certain aspect of natural immunity in the mouse . Immunology, 62 : 321 - 327, 1987.
- 11) Robert rebar kiramruke : thymosin stimulates secretion of LH - RF science vol. 214 : 667 - 671 , november, 6, 1981.
- 12) thomas R, cupps and Anthonyfuci : corticosteriod mediated immunoregulation in Human. Immunological Rev. Vol 65 : 133. 1982.
- 13) W. pierpali sork : in relation ship between thymas and hypophysis. nature. vol. 215 : 834 - 837 August 1967.
- ۱۴) دکتر احمد مسعود، دکتر محمد ویگانی: پایان نامه تخصصی بررسی اختلالات ایمونوادنکرینولوژیک در بیماران مبتلا به سال تحصیلی ۱۳۶۸